



است. مشخصاتش را منتشر کردیم و خانواده اش توسط مردم شناسایی شدند. شماره تلفنش را دادند و تماس گرفتیم. دخترش گوشی را برداشت و پرسیدم پدر شما گم شده است؟ گفت بله دو ماه است دنبال او می گردیم و نتوانسته ایم پیداایش کنیم. عکسش را گرفتیم و بعد از تطبیق دادن با عکس مرد گمشده، مطمئن شدم که گمشده آن خانواده است. آدرس بیمارستان محل بستری آن مرد را دادم و خانواده اش به کرمانشاه رفتند و پدر را به خانه بردند.»

با گمشده ها زندگی می کنم

پورا...وردی طوری با تعصب در مورد گمشده ها و جویندگان هویت صحبت می کند که انگار جزئی از خانواده خودش هستند. می گوید با گم شدن شان گریه می کند، از درد کسانی که دنبال هویت مبهم شان هستند، غمزه می شود و با پیدا شدن شان، انگار دنیا را به او داده اند، آن قدر که از خوشحالی گریه می کند. بخاطر همین حس و حال است که علاوه بر همسر، پسر ۲۰ ساله اش هم در این راه به او کمک می کند.

کمک و حمایت همه جانبه

نه تنها همسر و پسر پورا...وردی، بلکه برخی افراد، سازمان ها و نهادها مانند مشاور وکیل، پزشک فعال در پزشکی قانونی، سامان سراها، گرمخانه ها، بهزیستی، پلیس آگاهی برخی استانها با او همکاری دارند و حمایت های لازم را انجام می دهند. آن طور که او توضیح می دهد، دولت نیز بر روند فعالیت صفحه او نظارت دارد.

هرچند حمایت های افراد و نهادها او را برای ادامه مسیر دلگرم کرده است، اما برخی مشکلات باعث شده هم خودش و هم خانواده گمشده ها و جویندگان هویت دچار دردسر شوند. او می گوید: «بعضی افراد به عنوان کلاهبردار یا فالگیر سراغ خانواده ها می روند و با دادن وعده و وعیدهای بیجا، آرامش آنها را از بین می برند. در مواردی حتی می بینیم فردی با فرد دیگر دچار مشکل است و برای آزارش او را به عنوان گمشده معرفی می کند. این گونه رفتارها باعث می شود اگر خانواده ای واقعا دچار مشکل بود و گمشده ای داشت با شک و تردید به او کمک کنیم.»

مردم، بزرگ ترین حامی

پیدا شدن گمشده ها همان قدر که پورا...وردی را خوشحال می کند، به همین اندازه مبهم ماندن وضعیت گمشده ها، غم را مهمان خانه دلش می کند. ماجرای پارسا قندی را یادتان هست پسر بچه هشت ساله ای که سال ۹۶ همراه خانواده اش در مسیر بازگشت از شمال و هنگام صرف ناهار در کنار رودخانه ناگهان ناپدید شد. انگار قطره آبی شد و به زمین فرو رفت. دو سال از آن زمان می گذرد و هنوز هیچ اثری از پارسا پیدا نشده است. پورا...وردی از گمشده های زیادی نام می برد که وضعیت مبهمی دارند؛ مثل مائده کبرایی یا زهره جنیدی که هنوز پرونده شان به نتیجه نرسیده است. با این حال خانواده همین گمشدگان هم با پورا...وردی همکاری می کنند. او می گوید اگر مردم بیشتر یاری اش کنند، نیازی به حمایت سایر نهادها ندارد و با کمک مردم می تواند گمشده ها و جویندگان هویت را به آغوش خانواده های شان برگرداند.

گفت و گو با زنی که گمشدگان را به خانواده شان می رساند

ما برای وصل کردن آمدیم...

ایده اش از انتشار عکس يك حادثه شروع شد و حالا در اینستاگرام تبدیل به یکی از صفحاتی شده است که خانواده های زیادی به آن امید بسته اند. خانواده هایی که گمشده ای دارند یا سال ها است کسی خانواده اش را گم کرده است و به دنبال هویتش می گردد. ثریا پورا...وردی ۳۷ ساله، سه سال است که به عنوان مدیر این صفحه، با کمک مردم و برخی سازمان ها و نهادها، گمشدگان را به خانواده های شان می رساند یا برخی به واسطه او توانسته اند ایل و تبار گمشده شان را پیدا کنند.

لیلا حسین زاده

تپش

ماجرای این صفحه از زمانی شروع شد که خبر گم شدن آتنا اصلانی، دختر شش ساله پارس آبادی، ابتدا شهرش و بعد از مدت کوتاهی کل کشور را تسخیر کرد. همه جا حرف از گم شدن آتنا بود. پورا...وردی که خبر گم شدن همشهری اش را شنیده بود، عکس دخترک را در صفحه اش منتشر کرد، اما تلاشش برای پیدا کردن آتنا ثمری نداشت و مدتی بعد پیکری جانش که توسط مردی هوسران به قتل رسیده بود، تحویل خانواده اش شد.

جرقه یک ایده

بعد از قتل آتنا، پورا...وردی صفحه اش را نبست و استقبال کسانی که گمشده ای داشتند یا دنبال هویت شان بودند، باعث شد تا این صفحه با حدود ۲۰ هزار دنبال کننده، همچنان به فعالیت خود ادامه دهد. او می گوید: «در گروهی که برای آتنا تشکیل داده بودم، گمشده های زیادی وجود داشتند. برایم سوال بود که آیا گمشدگان دیگری هم جز او وجود دارند یا نه. با جست و جو در اینترنت متوجه شدم افراد زیادی هستند که پیدا نشده و یا گشته شده اند. برای همین صفحه را برای حمایت از گمشدگان نگه داشتم. مثل یگانه یونسی که سال ۹۰ و زمانی که دو سالش بود گم شد، اما هشت ماه بعد از انتشار عکسش در هشت سالگی در تهران شناسایی و تحویل خانواده اش شد. در بین گمشدگان، کسانی هم وجود داشتند که به دنبال هویت خود بودند. آنها گمشدگانی بودند که مثلا ۲۰ سال پیش در کودکی گم شده یا رها شده بودند. چون بحث جویندگان هویت با گمشدگان متفاوت است، صفحه دیگری برای جویندگان هویت ایجاد کردم تا خانواده های شان راحت تر بتوانند آنها را پیدا کنند یا آنها والدین شان را بیابند. در این مدت، افراد یا خانواده های زیادی که به دنبال هویت خود بودند یا گمشده ای داشتند، توسط مردم شناسایی شدند. البته گمشدگان بر حسب سن، بیماری و موارد دیگر دسته بندی می شوند. مثلا مواردی داشتیم که افراد سن بالا مبتلا به آلزایمر بودند و با انتشار عکس، خانواده های شان را پیدا کردیم.»

خاطراتی شبیه معجزه

در میان بیش از ۲۰۰ پستی که پورا...وردی از گمشده ها منتشر کرده است، بعضی ماجراها در ذهن و فکر او ماندگار شده است. آن قدر که وقتی در مورد آنها با تپش صحبت می کند، به شدت احساساتی می شود و بغض می کند. یکی از ماجراهای مربوط به گمشدگان که عاقبت شیرینی هم داشت، مربوط به مردی بود که همراه دو خواهرش در مشهد رها شده بودند. داستان این مرد را از زبان او بخوانید: «سرپرستی دو خواهر و مرد جوان را که در زمان گم شدن پسر بچه کوچکی بود، دو خانواده متفاوت به عهده گرفتند. در تمام این مدت آن مرد تصور می کرد خانواده اش را بر اثر تصادف از دست داده است، اما فردی به او اطلاع می دهد که او دو خواهر دیگر هم دارد که هنوز زنده هستند. تلاش زیادی برای پیدا کردن آنها انجام داد، اما نتوانست. يك سال بعد از این ماجرا، موضوع را به من اطلاع داد و من نیز مشخصاتش را منتشر کردم. بعد از يك هفته، به جای پیدا کردن خواهرانش، خانواده واقعی اش را پیدا کرد. بعد از پیدا کردن آنها، به دنبال دو خواهرش گشت و ده روز بعد هم آنها را پیدا کرد.»

خاطره دومی که او را متقلب می کند، ماجرای مردی است که تصادف کرده و در یکی از بیمارستان های کرمانشاه بستری بود؛ «اطلاعاتش را به من دادند و گفتند که به دنبال هویتش

